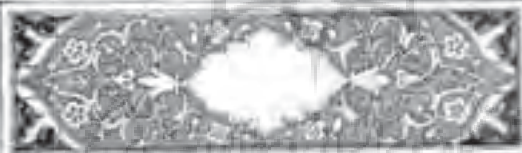


دایرة المعارف

قسمت دوم

گزارش



تألیف آیت الله العظمی ناصر مکارم شیرازی

روح البیروتی الشیخ ذی کارشناسی رشته فقه و حقوق اسلامی

crooholahi@gmail.com



اشاره:

مقاله حاضر به معرفی جلد اول دایرة المعارف فقه مقارن تألیف آیت الله العظمی مکارم شیرازی و جمعی از محققان می پردازد. این اثر ویژگیهای منحصر به فردی داشته و تا کنون اثری در این ارتباط با این ویژگیها (که بیان خواهد شد) تألیف نگردیده است. نوشتن این اثر به زبان فارسی و به صورت دایرة المعارف به شیوه نوین، از امتیازاتی است که باعث می شود دانشجویان و دانشگاہیان نیز به راحتی از این اثر بهره مند گردند. بنا به توضیحات مذکور برآنیم که در این نوشتار گزارشی مفصل از این اثر ارائه نماییم. قسمت اول این نوشتار در شماره پیش، به تبیین موضوعات مطرح شده در فصل اول تا هفتم دایرة المعارف فقه مقارن پرداخت و در این قسمت، گزارش باقیمانده فصول از آغاز فصل هشتم ارائه می گردد.

فقه مقارن



فصل ۸-انفتاح باب اجتهاد

در ابتدای این فصل، مسئله انسداد باب اجتهاد بررسی گردیده است. آیت‌الله مکارم شیرازی در این باره می‌نویسد: «بی‌شک عده‌ای از علمای اهل سنت معتقد به انسداد باب اجتهاد هستند» سپس نگارنده به تاریخچه انسداد باب اجتهاد می‌پردازد و انگیزه و علل آن را به دو بخش تقسیم می‌کند:

الف. علل سیاسی - اجتماعی

ب. علل شرعی

پس از موارد یاد شده به پیامدهای منفی انسداد باب اجتهاد می‌پردازد. از نظر وی این پیامدها عبارتند از:

۱. بی پاسخ ماندن مسائل مستحدثه
۲. بی پاسخ ماندن مسائل مورد نیاز در زمان ائمه

اربعه

۳. ناسازگاری با جهانی و جاودانی بودن اسلام

۴. تضاد گفتار و عمل

معتقدان به انفتاح باب اجتهاد و ادله آنها

از نظر نگارنده، شیعه معتقد است که باب اجتهاد در همه علوم اسلامی و همه زمانها و برای همه کس باز است. (البته نگارنده در قسمتی پیش‌تر به دیدگاههای جدید برخی علمای اهل سنت درباره انفتاح باب اجتهاد اشاره نموده است) ادله معتقدین انفتاح باب اجتهاد عبارتند از:

۱. آیات

۲. سیره ائمه و دانشمندان

پس از شرح موارد یادشده، نگارنده علاوه بر اینکه به انفتاح باب اجتهاد در عصر پیامبر(ص) و صحابه اشاره نموده است، به ذکر دیدگاه فقهای شیعه از قرن

اول تا قرن پانزدهم هجری می‌پردازد.

۳. دستور اهل بیت به اصحاب و یاران خودشان مبنی بر جواز افتاء.

۴. وجود روایتی مبنی بر نهی فتوای بدون علم.

۵. وجود روایاتی مبنی بر آموزش اجتهاد و استنباط.

۶. وجود روایات حل تعارض احادیث.

۷. ادله قائلین اهل سنت مبنی بر انفتاح باب اجتهاد.

از نظر نگارنده ادله عمده قائلین اهل سنت مبنی بر انفتاح باب اجتهاد عبارتند از:

الف. اجتهاد، فریضه‌ای دینی است.

ب. جاودانگی اسلام و نیاز مستمر به احکام دینی.

ج. صیانت و حفاظت از کتاب و سنت.

د. گواهی ائمه مذاهب اربعه مبنی بر انفتاح باب اجتهاد.

آخرین بخش این فصل به دیدگاههای جدید و انفتاح باب اجتهاد اختصاص دارد. مصنف در این فصل به دیدگاه برخی علمای اهل سنت معاصر که معتقد به انفتاح هستند، اشاره می‌کند.

فصل ۹- نقش زمان و مکان در استنباط

نگارنده در پیشگفتار این فصل، به بیان این مطلب می‌پردازد که مسلمانان معتقدند که اسلام، دین جامعی است که جوابگوی تمام نیازمندیهای معنوی و مادی، فردی و اجتماعی انسانها است. از سوی دیگر تشریح اسلامی بر اساس مصالح و مفاسد و نیز مصالح و مفاسد با گذشت زمان در تغییر است و تأثیر مکان را نیز نمی‌توان نادیده انگاشت. علاوه بر آن اسلام، دینی دوراندیش است که در آن جامعیت و انعطاف‌پذیری مطلوبی وجود دارد. بر این اساس، نمی‌توان تأثیر زمان

مسلمانان معتقدند که اسلام، دین جامعی است که جوابگوی تمام نیازمندیهای معنوی و مادی، فردی و اجتماعی انسانها است. از سوی دیگر تشریح اسلامی بر اساس مصالح و مفاسد و نیز مصالح و مفاسد با گذشت زمان در تغییر است و تأثیر مکان را نیز نمی‌توان نادیده انگاشت. علاوه بر آن اسلام، دینی دوراندیش است که در آن جامعیت و انعطاف‌پذیری مطلوبی وجود دارد. بر این اساس، نمی‌توان تأثیر زمان و مکان را در احکام نادیده گرفت



و مکان را در احکام نادیده گرفت؛ زیرا دورنگری موجب می‌شود تا شرایط هزاران سال بعد و حرکت به مکانهای جدید، همچون کره ماه در گستره احکام دیده شود. همه این دگرگونیها باید به گونه‌ای معجزه آسا با ثبات اصول احکام تطبیق کند و این امر رازی مهم است. بخش مهمی از این رمز و راز در ارتباط با نحوه تأثیر عنصر زمان و مکان در استنباط احکام، مورد توجه قرار گرفته است.

زمان و مکان و تأثیر آن در استنباط

در ابتدا آیت‌الله مکارم به بررسی تعاریف می‌پردازد و می‌گوید: مراد از زمان و مکان، ویژگیهای عصر و هر محیط است که بر موضوعات احکام، تأثیر می‌گذارد یا به صورت قرینه‌ها بر مفاهیم نصوص تأثیرگذار باشد.

گفتار دوم، به تأثیر زمان و مکان از منظر بزرگان فقها می‌پردازد و پس از ذکر نظریات فقهای متقدم، به ذکر نظریات معاصران که حائز اهمیت است، می‌پردازد. از جمله نظریه علامه محمدحسین طباطبایی و استاد مرتضی مطهری که معتقدند: قوانین اسلام به دو دسته ثابت و متغیر تقسیم شده که قوانین متغیر شامل تغییرات موضوع از جمله زمان و مکان است.

گفتار سوم فصل به میزان تأثیر می‌پردازد. این بخش که اصلی‌ترین قسمت فصل است به بیان دیدگاه مصنف در مسائلی همچون: تأثیر زمان و مکان در موضوعات و گونه شناسی تأثیر زمان و مکان می‌پردازد. مصنف در ابتدای گفتار سوم می‌نویسد: تأثیر زمان و مکان در استنباط با توجه به سه اصل تغییر ناپذیر «توحید در تشریح»، «ابدیت احکام» و «حکم داشتن تمام وقایع» قابل توجه است.

نگارنده در پایان فصل به بیان نتایج تأثیر زمان و مکان می‌پردازد. این نتایج عبارتند از:

- الف: حل تعارض ظاهری موجود در سیره نظری و عملی معصومان(ع)
- ب. تسهیل در احکام حکومتی
- ج. تسهیل در معیشت
- د. هماهنگ ساختن اسلام با نیازهای واقعی زمان
- ه. رفع عسر و حرج

فصل ۱۰- علوم پیش‌نیاز اجتهاد

نگارنده ابتدا به تعریف اجتهاد بر این اساس می‌پردازد: «اجتهاد عبارت است از استخراج و استنباط حکم شرعی فرعی از طریق دلیلهای تفصیلی.» (۲۰) مؤلف پس از تعریف اجتهاد، به اقسام اجتهاد (مطلق و متجزی و عام و خاص) می‌پردازد. به هر حال مصنف، علوم مقدماتی اجتهاد را چهارده علم می‌داند که می‌توان به بررسی آنها در زیر مجموعه علوم از جمله: علوم ادبیات عرب، علوم عقلی و علوم نقلی پرداخت.

الف. ادبیات عرب

این علوم مجموعاً دارای چهار قسم است. ۱. علم به لغت عرب ۲. علم صرف ۳. علم نحو ۴. علم بلاغت.

ب. علوم عقلی

۱. علم منطق ۲. علم فلسفه: نگارنده به بیان اختلاف فقها مبنی بر ضروری دانستن علم فلسفه به عنوان علم پیش‌نیاز اجتهاد اشاره نموده است و می‌گوید: برخی مخالف با آن و برخی موافق با آن هستند و این دو گروه نیز با یکدیگر اختلاف نظر دارند و آن گاه می‌گوید: «فراگیری علم فلسفه به عنوان پیش‌نیاز استنباط و اجتهاد لازم نیست، اما برای تفکیک مباحث و جلوگیری از اختلاط مباحث امور تکوینی و امور اعتباری که اصولیون اخیر گرفتار آن شده‌اند، ضروری به نظر می‌رسد.»

۳. علم کلام: دیدگاه اول علم کلام را به عنوان پیش‌نیاز در استنباط و اجتهاد، می‌داند و دیدگاه دوم به عکس دیدگاه اول است.

اختلاف فتوا مربوط به بخش کوتاهی از فقه است و فقهای مذاهب اسلامی در اکثر مسائل فقهی اتفاق نظر دارند. کلیات تمام ابواب فقهی مانند: نماز؛ روزه؛ خمس؛ زکات؛ حج؛ جهاد؛ انواع معاملات و قراردادهای اجتماعی و خانوادگی و نیز بسیاری از عناصر و احکام و شرایط اصلی و نیز تمام احکامی که آیات قرآن با احادیث متواتر نبی اکرم (صلی‌الله علیه و آله) به بیان آنها پرداخته است و سایر ضروریات فقه اسلامی، از مشترکات فقه اسلامی است که تمامی فقهای مذاهب اسلامی بر آن اتفاق نظر دارند



گردیده است.

۵. اکثر فقهای مذاهب براساس اصل «تخبطه در اجتهاد» و نفی نظریه تصویب، رأی مجتهد را خطا پذیر شمرده و لذا هر مجتهدی که به استنباط مسائل فرعی فقهی حکمی براساس دلایل غیر قطعی بپردازد، چنین ادعا نمی کند که «حکم خدا قطعا همین است و بقیه فتاوی فقیهان دیگر ضد اسلام است.»

عوامل اختلاف فتوا

نویسنده عوامل سیزده گانه ای را به عنوان عوامل اختلاف فتوا بر شمرده و به شرح آنها می پردازد. این عوامل عبارتند از:

۱. اختلاف در منابع و استنباط ۲. عدم دسترسی بعضی از فقها به برخی احادیث و دسترسی بعضی دیگر به آنها. ۳. اختلاف نظر در حجیت اسناد برخی

ج. علوم نقلی (یا عقلی و نقلی)

۱. علم تفسیر
۲. علم الحدیث
۳. علم درایه
۴. علم رجال
۵. علم اصول فقه
۶. علم فقه
۷. علم به قواعد فقهی

تأثیر زمان و مکان در اجتهاد

مؤلف محترم در این باره می گوید: «شکی نیست که زمان و مکان، می تواند به گونه ای خاص در اجتهاد تأثیر داشته باشد. برای بررسی این مهم، مباحث فراوانی از قبیل: مقصود از زمان و مکان و مراد از تأثیر این دو در اجتهاد؛ قلمرو و چگونگی تأثیر زمان و مکان و مباحث دیگر... باید مورد بحث و تحقیق قرار گیرد.»

فصل ۱۱- سرچشمه اختلاف فتاوی

در پیشگفتار این فصل به مسائل مهمی از جمله مسائل ذیل اشاره شده است:

الف. حکم الهی یکی است، اما اختلاف ناشی از احکام به دلیل اختلاف برداشت علما از منابع فقهی شریعت است.

ب. فراوانی مشترکات فقهی

اختلاف فتوا مربوط به بخش کوتاهی از فقه است و فقهای مذاهب اسلامی در اکثر مسائل فقهی اتفاق نظر دارند. کلیات تمام ابواب فقهی مانند: نماز، روزه؛ خمس؛ زکات؛ حج؛ جهاد؛ انواع معاملات و قراردادهای اجتماعی و خانوادگی و نیز بسیاری از عناصر و احکام و شرایط اصلی هر کدام مانند: ارکان نماز؛ تکبیر؛ نیت؛ قرائت؛ رکوع؛ سجود؛ تشهد؛ سلام و شرایطی مانند: طهارت؛ قبله و مانند آنها و نیز تمام احکامی که آیات قرآن یا احادیث متواتر نبی اکرم (صلی الله علیه و آله) به بیان آنها پرداخته است و سایر ضروریات فقه اسلامی، از مشترکات فقه اسلامی است که تمامی فقهای مذاهب اسلامی بر آن اتفاق نظر دارند.

ج. مسائل اختلافی دو نوع است:

برخی از آنها، مربوط به اختلاف مذاهب است که در مذاهب گوناگون اسلامی این اختلاف فقهی بر اثر اختلاف مبانی مذهبی و فقهی است و برخی دیگر از مسائل اختلافی، مربوط به اختلاف فقهای یک مذهب است که عوامل جزئی تری موجب این اختلاف

به اعتقاد آیت الله مکارم شیرازی، ولایت به معنی سرپرستی و صاحب اختیار بودن است که مرتبه بالای آن برای پیامبر و امامان معصوم از سوی خداوند ثابت گردیده است و برای فقیه، نیز می توان مرتبه وی را اثبات نمود. حکومت، بخشی از ولایت است و آن عبارتست از: زمامداری و سرپرستی در مورد نظم کشور اسلامی



از روایات به جهت اختلاف در معیار و وثاقت راویان و مانند آن ۴. اختلاف در جهت صدور حدیث ۵. اختلاف در نسخ حکم ۶. اختلاف در قرائت برخی آیات ۷. اختلاف در برداشت از آیات و روایات؛ فهم و تفسیر آنها ۸. تعارض ادله و اختلافات در چگونگی مرجحات ۹. اختلاف نظر در برخی از اصول عملیه مانند: حجیت استصحاب ۱۰. اختلاف نظر در محدوده قواعد فقهیه ۱۱. اختلاف در حکومت عقل در برخی از مسائل ۱۲. اختلاف در کیفیت تحقق اجماع و حجیت آن ۱۳. تأثیرپذیری برخی از فقها از پیش فرضهای ذهنی یا فرهنگهای حاکم بر محیط یا تعصبات غیرمنطقی و

۱. آیات و روایات مربوط به جهان تکوین
۲. آیات و روایات مربوط به هدفمند بودن احکام شرعی

افراطی که احياناً برخی از فقها نسبت به مذهب یا مکتب خاصی داشته‌اند.

فصل ۱۲- جایگاه فلسفه احکام در فقه اسلامی

در پیشگفتار این فصل، آیت‌الله مکارم شیرازی علاوه بر بیان اهمیت مسئله، می‌گوید: مراد از فلسفه احکام، همان حکمتها و مفاسدی است که احکام الهی از آن نشأت می‌گیرد. مؤلف پس از بیان ارتباط فلسفه احکام با حسن و قبح ذاتی اشیاء و آراء متکلمان شیعه، معتزله؛ اشاعره و ماتریدیه در این باره، به جایگاه بحث از فلسفه احکام و طرق کشف و بیان مقصود از شناخت فلسفه احکام و فایده بحث از فلسفه می‌پردازد. پس از این پیشگفتار، مؤلف به اقوال گوناگون در این مسئله می‌پردازد:

الف. فلسفه احکام از دیدگاه فقهای اهل بیت
فقها و متکلمین شیعه بر این مسئله اجماع نموده‌اند که تمامی افعال خدا معلل به اهداف و اغراضی است.

ب. فلسفه و تعلیل احکام از دیدگاه دانشمندان اهل سنت

این مسئله مترتب بر قبول حسن و قبح ذاتی اشیاء و مسئله «عدل» و «اختیار» است. کسانی مانند «معتزله» که معتقد به حسن و قبح ذاتی و طرفدار آزادی انسان هستند و همچنین قائلین به حجیت قیاس، مسئله تعلیل و فلسفه احکام را پذیرفته‌اند. در مقابل آنها اشاعره و همچنین ظاهرپون و نیز کسانی که قیاس را حجت نمی‌دانند، منکر فلسفه احکام هستند. نگارنده سپس به ذکر دلایل معتقدان و منکران تعلیل می‌پردازد.

مؤلف پس از این بخش، بخشی را به «آیات و روایات مربوط به فلسفه احکام و افعال خدا» اختصاص می‌دهد و آنها را این‌گونه تقسیم‌بندی می‌کند:

اقسام فلسفه‌های احکام

نگارنده فلسفه‌ها و حکمت‌های احکام را به چهار قسم، تقسیم می‌کند:

قسم اول: حکمتها و فلسفه‌های احکامی که از همان آغاز بعثت پیامبر(ص) بر همگان آشکار بوده است مانند فلسفه تحریم دروغ؛ خیانت؛ تهمت و...
قسم دوم: فلسفه‌هایی که توده مردم از آن آگاهی نداشته، اما آیات یا احادیث به آنها اشاره نموده است از قبیل؛ فلسفه روزه ماه مبارک رمضان.

قسم سوم: احکامی که با گذشت زمان و پیشرفت علم و دانش و آگاهی بشری، فلسفه و اسرار آن، مشخص می‌گردد مثلاً آثار زینبار مشروبات الکلی.

قسم چهارم: احکامی که نه فلسفه آن از آغاز مشخص بوده و نه به مرور زمان، مشخص گردیده و نه در متون اسلامی به آن اشاره شده است. مانند فلسفه تعداد رکعات نماز.

فصل ۱۳- بخشی از اصطلاحات مهم فقهی

فقه به عنوان یکی از گسترده‌ترین علوم اسلامی از اصطلاحات فراوانی بهره می‌برد. آنچه در این‌جا مطرح شده، دارای چهار بخش است:

بخش اول: اصطلاحاتی که با مقام تشریح احکام در ارتباط است:

مراحل تشریح حکم

مراحل تشریح حکم عبارتند از: اقتضاء؛ انشاء؛ فعلیت و تنجز.

مرحله اقتضاء که عبارتست از: مرحله وجود ملاک

حق، حکم و تکلیف

گفتگو با جمعی از اساتید حوزه و دانشگاه

به کوشش: سیف‌الله صارمی

ناشر: پژوهشگاه علوم فرهنگ اسلامی

تعداد صفحات: ۵۶۸

قیمت: ۴۵۰۰۰ ریال

پیشرفت تکنولوژی و صنعت، انتقال و مبادله سریع اطلاعات، کنش و واکنش‌های حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، تأثیر پذیری افکار جهانی از دگرگونیها و تأثیرپذیری آنها از یکدیگر، ظهور روابط چندگانه و تعامل‌های پیچیده در ساخت‌های فراملی و جهانی، تصور یابی نگاهها و نظریه‌های حقوقی و فلسفی، پدید آمدن الگوها و کالاهای فرهنگی مغایر با ارزشهای انسانی و غیرقابل دفاع و... تحولات دنیای جدید را تشکیل می‌دهند.

بدیهی است تئوری «توانایی فقه برای مواجهه فعال و مثبت با دنیای جدید» را هنگامی می‌توان اثبات و اجرا کرد که پرسشهای متوجه به فقه که برآمده از این تحولات هستند، شناسایی، بررسی و پاسخ داده شوند.

این پرسشها جایگاههای متفاوتی دارند: برخی به مبانی و ریشه‌های فقه، برخی به فعالیت فقهی و روند شکل‌گیری آن و برخی نیز به

فتوا عبارتست از: حکم کلی الهی که فقیه براساس ادله معتبر به استنباط آن می‌پردازد. «حکم» در برابر فتوا، عبارتست از دستور اجرا یا تعیین مصداق یا موضوع



کتابخانه جامع

برای حکم یعنی زمینه جعل؛ مرحله انشاء که در حقیقت مرحله شکل‌گیری؛ وضع و جعل قوانین است؛ مرحله فعلیت حکم که مرحله مسؤلیت آفرینی است و با اعلام آن تحقق می‌یابد؛ مرحله تنجز که همان مرحله قطعی شدن حکم است.

حکم تکلیفی و وضعی

حکم تکلیفی آن که به انگیزه وارد ساختن یا نهي کردن یا مجاز شمردن برای مکلف از سوی خداوند قرار داده می‌شود.

حکم وضعی یعنی هر حکمی که جدا از احکام پنج‌گانه تکلیفی باشد.

مؤلف پس از این تقسیم‌بندی، به طور مفصل، به بررسی مقوله اصطلاحات و اقسام واجب؛ حرمت؛ استصحاب و کراهت می‌پردازد. تقسیم‌بندی حکم ظاهری و واقعی عنوان مبحث بعدی است. حکم واقعی، حکمی است که روی موضوع منهای مسئله «شک و ظن» رفته است و حکم ظاهری، حکمی است که روی موضوع با توجه به «شک و ظن» رفته است. پس از بیان این مباحث مؤلف به بررسی اقسام حکم واقعی و ظاهری می‌پردازد.

اصطلاحات مربوط به مناصب فقها

الف. فتوا، حکم و قضا

فتوا عبارتست از: حکم کلی الهی که فقیه براساس ادله معتبر به استنباط آن می‌پردازد. «حکم» در برابر فتوا، عبارتست از: دستور اجرا یا تعیین مصداق یا موضوع.

«قضا» عبارتست از: رفع خصومت اختلافات. گاهی واژه حکم برای قضاوت نیز به کار می‌رود.

ب. استفتاء

استفتاء عبارتست از: سؤال از مجتهد جامع‌الشرایط درباره حکم شرعی

ج. ولایت، حکومت

به اعتقاد مؤلف، ولایت به معنی سرپرستی و صاحب اختیار بودن است که مرتبه بالای آن برای پیامبر و امامان معصوم از سوی خداوند ثابت گردیده و برای فقیه، نیز می‌توان مرتبه وی را اثبات نمود.

حکومت، بخشی از ولایت است و آن عبارتست از: زمامداری و سرپرستی در مورد نظم کشور اسلامی.

اصطلاحات فقها در بیان فتوا و احتیاط

الف. اصطلاحات فقها در بیان فتوا

این اصطلاحات، فتوا محسوب می‌شوند: لایبعد (بعید نیست)؛ علی‌الاقوی (بنابر اقوی)؛ الاقرب (نزدیک‌تر به ادله)؛ اصح (قول صحیح‌تر)؛ الاظهر (بنا به آنچه به لحاظ ادله اظهر است) و...

ب. اصطلاحات فقها در موارد احتیاط

تعبیرات فقها در این باره سه گونه است:
۱. احتیاط مستحب ۲. احتیاط واجب ۳. احتیاط مطلق که عملاً به دو قسم اول برمی‌گردد.

در پایان فصل به اصطلاحات فقها در ارتباط با انجام تکالیف پرداخته شده است که عبارتند از: اطاعت و عصیان؛ انقیاد و تجزی و نیز امتثال و اجزاء همچنین است صحت، فساد و بطلان و در پایان اداء قضا و اعاده.

فصل ۱۴- ساختار و طبقه‌بندی فقه اسلامی

این فصل به دو بخش تقسیم شده است: ساختار فقهی امامیه و ساختار فقهی اهل سنت.

مرحله پس از استنباط (عرضه فقه) مربوط می‌شود. بخشی از این پرسشها عبارت اند از:

۱. پرسشهای متوجه به مبانی فقه

مقصود از مبانی، آن دسته از مبانی است که فقه، هویت خود را به عنوان یک دانش از آنها برمی‌گیرد و هم آن دسته از مبانی است که به اقتضای آنها نقش «تنظیم روابط و مناسبات حقوقی» منحصر به فقه می‌گردد. این مبانی متعدّدند، ولی از میان آنها دو مبانی زیر، امروزه بیشتر مورد پرسش هستند:

۱-۱. **مکلف بودن انسان در برابر خداوند:** در برابر این مبنا امروزه دیدگاهی قرار گرفته است که انسان را موجودی ذی‌الحق و فرا تکلیف به شمار می‌آورد.

۲-۱. لزوم تعیین روابط و مناسبات حقوقی بر اساس رجوع به عقل قدسی

(عقل متعالی معصوم): در برابر این مبنا نیز امروزه دیدگاهی قرار گرفته است که عقل و علم بشر را در تعیین این مناسبات توانا می‌بیند.

۲. پرسشهای متوجه به فعالیت‌های فقهی و روند شکل‌گیری آنها

این پرسشها به محورهایی چند مربوط می‌شوند که به قرار زیر است:

۲-۱. تأثیر پذیری اجتهاد به عنوان یک فعالیت فکری و ذهنی

در این زمینه با پرسشهای بسیاری مواجه هستیم که پرسشهای زیر از اهمیت برخوردارند:
- تحولات اجتماعی (از آن باب که اندیشه و به ویژه اندیشه‌های ناظر به مناسبات اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهند) چه تأثیراتی

اکثر فقهای
مذاهب براساس
اصل «تخطئه در
اجتهاد» و نفی
نظریه تصویب، رأی
مجتهد را خطا پذیر
شمرده و لذا هر
مجتهدی که به
استنباط مسائل
فرعی فقهی حکمی
براساس دلایل غیر
قطعی بپردازد،
چنین ادعا نمی‌کند
که «حکم خدا قطعاً
همین است و بقیه
فتاوی فقیهان
دیگر ضد اسلام
است.»



یافتن احکام
عملی و رسیدن
به فروع دینی،
نیازمند پیش نیاز
فراوانی است که
مجتهد با فراگرفتن
آنها و دقت و
ممارست فراوان،
می تواند به استنباط
احکام شرعی
بپردازد. آشنایی با
این علوم و استنباط
آن امر برای همگان
امر ساده‌ای نیست؛
چرا که از یک سو
همگان توان و
انگیزه ورود به این
عرصه را ندارند و
از سوی دیگر اگر
همگان بخواهند (در
صورت توان) به این
امر خطیر بپردازند،
امور اجتماعی دیگر
انسانها به مخاطره
می افتد

ساختار فقهی امامیه

مرحوم کلینی (ره) در کتاب معروف کافی در دو جلد اول به مسائل اعتقادی و اخلاقی پرداخته است، اما در پنج جلد بعد به گردآوری اخبار فقهی و طبقه‌بندی آنها پرداخته و هر گروه را در بابی آورده است. این ابواب عبارتند از: ابواب عبادت؛ معیشت؛ نکاح؛ وصایا و موارث؛ حدود دیات و قضا و شهادت. طبقه‌بندی مرحوم کلینی تأثیر شگرفی در جمعی از علمای بعد از ایشان گذاشت (از جمله بر شیخ طوسی در مبسوط و تهذیب و استبصار) ولی آنچه شهرت بسزایی یافته است، تنظیم ابواب فقه به سبک محقق حلی در کتاب شرایع الاسلام است. محقق اول، فقه را به چهار بخش تقسیم نمود: عبادات؛ عقود؛ ایقاعات و احکام.

مرحوم سید جواد عاملی و مرحوم شهید صدر نیز به تقسیم‌بندی فقه پرداخته‌اند. آیت‌الله مکارم نیز در پایان این تقسیم‌بندی را پیشنهاد می‌کند:

۱. عبادات ۲. مسائل مالی و اقتصادی ۳. مسائل مربوط به نظام خانواده ۴. احکام حلال و حرام مربوط به تغذیه ۵. سیاست.

این تقسیم‌بندی، شبیه به تقسیم‌بندی استاد دکتر بی‌آزار شیرازی در رساله توبین است.

ساختار فقهی اهل سنت

نویسنده پس از ذکر تقسیم‌بندی صحیح بخاری و صحیح مسلم به تقسیم‌بندی مهم غزالی اشاره می‌کند، وی فقه را به چهار قسم تقسیم نموده است: عبادات؛ عادات؛ منجیات؛ مهلکات.

در پایان فصل به تقسیم‌بندیهای دیگری هم اشاره شده است.

فصل ۱۵- مسائل مستحدثه و اصول کلی حاکم بر آن

۱. تعریف مسائل مستحدثه

مسائل مستحدثه، عبارت است از هر موضوع جدیدی که حکم شرعی آن منصوص نیست.

۲. نمونه‌هایی از مسائل مستحدثه

مؤلف به نمونه‌های گوناگونی در این باره از جمله: تشریح؛ پیوند اعضا؛ تلقیح مصنوعی و... (در مسائل مستحدثه پزشکی) پرداخته و مسئله نماز خواندن در قطبین، صحت یا اشکال سعی و رمی جمرات در طبقه دوم و... (در مسائل عبادی) و غیر این مسائل اشاره نموده است.

تبیین قواعد و اصول عامه مسائل مستحدثه

نگارنده در تبیین قواعد و اصول عامه از مسائل مستحدثه می‌گوید: ۱. در این راستا باید به ذکر قواعد کلی‌ای پرداخت که مسائل مستحدثه را براساس آن بتوان تبیین کرد. ۲. کلیه مسائل مذکور را به طور مفصل مورد بحث و بررسی قرارداد و قواعد و اصول منطبق بر آن و احکام هر یک را بیان نمود. بر این اساس و برای عملی کردن این مقصود، توجه به این مطالب، لازم است: تفاوت روشها؛ تأثیر زمان و مکان در اجتهاد؛ ضوابط کلی استنباط مسائل مستحدثه؛ اطلاعات ادله لفظیه و مسئله عناوین ثانویه.

فصل ۱۶- ادله تقلید در مکتب اهل بیت و اهل سنت

این فصل درصدد پاسخ‌گویی به مسائلی از جمله: ضرورت تقلید و اینکه در احکام شرعی آیا تقلید کار خوبی است؟ و به بررسی ادله تقلید از عالمان مکتب اهل بیت و اهل سنت می‌پردازد.

را بر فقه و فعالیت‌های فقهی برجای می‌گذارند؟

- اخلاق که گاه به دلیل در اختیار قرار دادن فضای درونی و روانی انسان، به تعاملات و حتی نگاه او به مناسبات اجتماعی جهت می‌دهد، آیا بر ذهنیت و فعالیت فقهی نیز تأثیر گذارند یا نه؟ در صورت پذیرش آن، آیا این تأثیر گذاری همیشه ثابت است؟

۲-۲. لوازم و ملزومات پاسخ‌گویی فقه به مسائل جدید

- شناخت مسائل جدید: با توجه به نیازمندی شناخت انسان از پدیده‌های جدید به تخصص که نتیجه طبیعی تعامل میان سرنوشت پدیده‌ها با یکدیگر و پر شتاب شدن روند رویش و ریزش موضوعات است، چگونه فقه می‌تواند به حکم موضوعاتی که مسیر شناخت آنها دشوار و پر پیچ و خم گردیده است، شناخت پیدا کند؟

- بررسی نظری تاریخ اصول فقه از حیث توانایی جهت پاسخگو بودن و یا نبودن به مسائل جدید به ویژه مسائل حکومتی و سیاسی: این بحث متضمن سرفصلهای متعددی است و یکی از این سرفصلها بررسی نظری - تاریخی قواعد اصولی یا رویکردهایی در اصول همچون احتیاط یا پاره‌ای از شقوق استصحاب است که گاه به نظر می‌آید وجود و یا شدت آنها فقه را در پاسخ‌گویی به مسائل جدید ناتوان می‌سازد.

- شناسایی و بررسی قواعد فقهی جدید یا ناشناخته در قواعد فقهی رایج، ولی قابل بحث و احتمالاً قابل اثبات، همچون بحث عدالت به عنوان یک قاعده فقهی.



برخی از فرق
امامیه، همانند
اخباریون و برخی
از علمای اهل سنت
همانند برخی از
علمای ظاهری و
گروهی از علمای
حنبلی و فرقه
اباضیه قائل به
حرمت تقلید
شده‌اند

می‌توان جواز تقلید را استنباط کرد.

۴. روایات: در این بخش، بحث مفصلی در ارتباط با روایاتی که می‌توان جواز افتاء را استنباط نمود، انجام گرفته است که می‌توان به این امر اشاره نمود:
در فرمانی که امیرمؤمنان علی(ع) به فرماندار خویش در مکه (قثم ابن عباس) نوشت، آمده است: «و اجلس لهم العصرین فافت المستفتی و علم الجاهل و ذاکر العالم» صبح و عصر در حضور آنان بنشین و برای کسی که از تو فتوا می‌خواهد، فتوا ده؛ به آموزش افراد نادان پردازد و با افراد دانا به گفت‌وگو پردازد.» (۲۱)
۵. اجماع

۶. سیره مسلمین: در این بحث، نویسنده براساس استناد به سیره مسلمین در صد اثبات جواز تقلید است. وی می‌گوید: سیره مسلمین و اصحاب پیامبر و امامان اهل بیت(ع) این بوده است که در مسائل حلال و حرام به آنها مراجعه می‌کردند و در صورتی که به آنها دسترسی نداشتند، به نایبان آنها و خبرگان در فقه رجوع می‌کردند.

مخالفان تقلید

نویسنده می‌گوید: برخی از فرق امامیه، همانند اخباریون و برخی از علمای اهل سنت همانند برخی از علمای ظاهری و گروهی از علمای حنبلی و فرقه اباضیه قائل به حرمت تقلید شده‌اند.

ادله مخالفان تقلید

۱. آیات:

مخالفان تقلید به آیات ۶۷ سوره احزاب؛ ۲۲ زخرف؛ ۳۱ توبه و ۱۰۴ مائده استناد کرده‌اند.

۲. روایات:

مرحوم شیخ حر عاملی در کتاب *وسائل الشیعه* بابی

تقلید از نظر لغوی و اصطلاحی

نویسنده پس از بررسی معنای لغوی تقلید و بیان معنای آن به معنی پیروی، به طور مفصل به بحث اصطلاحی تقلید پرداخته است و نتیجه می‌گیرد که تقلید از نظر اصطلاحی به معنای مراجعه افراد غیر متخصص در امور دینی به اهل فن و متخصصان و عالمان دینی اطلاق می‌گردد.
پس از پایان این بحث، مؤلف به بحث «تقلید در لسان روایات» می‌پردازد.

ضرورت تقلید در فروع دین

در این باب نویسنده در صد اثبات این امر است که یافتن احکام عملی و رسیدن به فروع دینی، نیازمند پیش نیاز فراوانی است که مجتهد با فراگرفتن آنها و دقت و ممارست فراوان، می‌تواند به استنباط احکام شرعی پردازد. آشنایی با این علوم و استنباط آن امر برای همگان ساده‌ای نیست؛ چرا که از یک سو همگان توان و انگیزه امر ورود به این عرصه را ندارند و از سوی دیگر اگر همگان بخواهند (در صورت توان) به این امر خطیر پردازند، امور اجتماعی دیگر انسانها به مخاطره می‌افتد.

ادله تقلید در فروع دین

۱. دلیل عقل: این دلیل به همان صورتی است که «در ضرورت تقلید در فروع دین» گذشت.
۲. سیره عقلا: سیره عقلا در همه اعصار بر این بوده است که در تمامی علوم به افراد متخصص و خبره رجوع می‌کرده‌اند.
۳. آیات قرآن کریم: به نظر مؤلف براساس آیات ۱۲۲ سوره توبه و آیه ۷ انبیاء و آیاتی دیگر از این قبیل

– شناسایی و بررسی دانشها یا فنی‌هایی که جای آنها در مجموعه دانشهای مورد استفاده فقه خالی است؛ همچون دانش «نقد متن»: نقد متن اگرچه از قدیم کمابیش همواره وجود داشته، ولی آنچه به آن نیازمندیم و می‌تواند نقد متن را در خدمت فقه قرار دهد، تبدیل آن به یک علم مستقل و تعریف شده با حدودی معین و روشی مشخص است.

– روش شناسایی فعالیت (= استنباط) فقهی: پرسش این است که در فضای کنونی توجه به روش شناسایی در علم و پذیرش این اصل که روش شناسی، سهمی مهم در موفقیت هرچه بیشتر علم دارد، آیا تنقیح روش استنباط فقهی، به ویژه در برابر تحولات روز افزون اجتماعی و مسائل جدید، ضرورت دارد؟ چگونه؟

۳-۲. مدیریت علم فقه از حیث آموزشی و پژوهشی

گذشت قرنهای متمادی بر فقه به انباشت آرای انبوه در مسائل فقه و نیز در مسائل دانشهایی که بار خدمت رسانی به فقه را بر دوش دارند، انجامیده است. این تراکم و انباشت که در موارد بسیار توده وار دیده می‌شود، چالشهایی را فراروی دو بعد آموزش و پژوهش فقه گسترانده است. بی‌گمان در صورت حل نکردن این چالشها، کارکرد فقه به ویژه در مسائل جدید، در مسیر پر دست انداز و گاه غیر قابل عبوری قرار می‌گیرد.

علاج و حل این مشکلات نیز کوششهای چند جانبه‌ای را طلب می‌کند. تعریف توسعه علم فقه و شاخصهای آن، تصفیه آرای زاید، نظریه پردازی فقهی، ترسیم ساختاری گویاتر، جامع تر و در برگیرنده تر در مورد مقولات جدید و باز تدوین فنی و عالمانه متون فقهی، راهکارهای حل این مشکلات را تشکیل می‌دهند. عنوان «مدیریت علم فقه» عنوان جامعی است که حداقل بخشی از این راهکارها



از آنجا که تقسیم احکام به تأسیسی و امضایی به معنی عوفی شدن احکام نیست، پس چنان نیست که برخی پنداشته‌اند که در غیر دایره عبادات، باید به سراغ احکام عوفی در هر عصر و زمان برویم

را تحت عنوان «عدم جواز تقلید غیرالمعصوم(ع) فیما یقول برأیه» به این مسئله اختصاص داده و روایاتی را در این ارتباط نقل نموده است.

۳. ادله دیگر:

اولاً آنها به این دلیل تقلید را جایز نمی‌دانند که همیشه شخص عامی از قول مجتهد اطمینان حصول نمی‌کند. ثانیاً فروع را به اصول قیاس می‌کنیم. آیت الله مکارم شیرازی در صدد پاسخ‌گویی به استدلال‌ات فوق پرداخته است.

۴. شبهه عقلی در نقد تقلید:

آیت الله مکارم به نقد و پاسخ‌گویی این مسئله یا شبهه می‌پردازد که برخی معتقدند: تقلید سبب انحطاط فکری می‌شود.

چهارم: تاریخچه تقلید

مؤلف به تاریخچه تقلید در صدر اسلام و عصر صحابه و تابعین اشاره نموده و سپس به بررسی تقلید از فقهای مذاهب اهل سنت پرداخته است.

پنجم: تقلید در اصول دین

علمای فریقین تقلید در اصول دین را جایز نمی‌دانند. مؤلف به ادله عدم جواز تقلید در اصول دین اشاره نموده است و عمده‌ترین دلایل را دلیل عقلی می‌داند در عین حال مؤلف علاوه بر ذکر قائلین جواز تقلید در اصول دین، به بررسی و ذکر ادله آنها اشاره کرده است. این گروه عبارتند از: «حشویه» و «تعلیمیّه» و به عنوان مثال به آیه چهارم سوره غافر استدلال نموده‌اند.

ششم: تقلیدی نبودن مسئله تقلید

صاحب کتاب تأکید می‌کند که در مسئله تقلید از مجتهد، نباید تقلید کرد؛ بلکه باید یقین پیدا کند که وظیفه او تقلید است.

هفتم: تقلید در موضوعات

بحث دیگر این است که در موضوعات شرعی، آیا

تقلید بر افراد عامی لازم است یا خیر؟ مصنف در پاسخ این سوال: موضوعات شرعی را به چند قسم تقسیم می‌کند که در اقسامی از آنها تقلید لازم است و در برخی از موارد لازم نیست و مقلد باید به نظر خودش عمل کند.

هشتم: تقلید اعلم

پس از بررسی اقوال گوناگون، مؤلف به این نتیجه می‌رسد که عقل و عقلا حکم می‌کنند که با وجود اعلم نباید، به تقلید از غیر اعلم پرداخت.

نهم: تقلید میت

این مورد نیز از موارد اختلافی بین علماست. مؤلف علاوه بر ذکر ادله قائلین به جواز تقلید از میت می‌پردازد و در راستای اثبات این امر به بیان این مسئله می‌پردازد که غالباً علمای زنده از علمای میت از نظر معلومات پیشرفته‌ترند بنابراین، این مسئله که به تقلید از مجتهد زنده ترغیب گردد، گواه بر این معانست (۲۲)

سپس به تقسیم بندیهای گوناگون ابواب فقهی به ویژه به گونه‌ای که با فقه سیاسی منطبق باشد، اشاره شده است. این طرح و تقسیم‌بندیها عبارتند از: طرح آیت‌الله شهید سیدمحمد باقرصدر، دکتر محمصانی، دکتر وهبه زحیلی، استاد مصطفی زرقا و...

امتیازات حکومت دینی

امتیازاتی که مولف برای حکومت دینی برشمرده بدین قرارند:

۱. حکومت‌های بشری، همواره رنگ قومی یا نژادی و یا حداقل حزبی دارند... در حالی که در حکومت اسلامی، اقوام و نژادها و قشرهای مختلف جامعه یکسان هستند.
۲. حکومت دینی بر اساس انگیزه‌های معنوی و

را پوشش می‌دهد.

۴-۲. تجزیه و تحلیل عناصر اصلی استنباط و جایگاه شناسی و نقش

شناسی هریک

این از آن جهت مهم است که در استنباط، عناصر بسیاری با پرکردن فضا، جای را بر عناصر اصلی و روش ساز در استنباط تنگ کرده‌اند و فرصت پرداختن به آنها را به حداقل رسانده‌اند. انجام فعالیت با عنوان «مکتب شناسی فقهی» کوششی است که افزون بر داشتن نتایج خاص، به بازشناسی عناصر اصلی و تفکیک آنها از عناصر غیر اصلی و نیز جایگاه شناسی و نقش شناسی این عناصر می‌انجامد.

۳. پرسشهای متوجه به خروجیهای فقهی

پرسش اصلی این است که چگونه می‌توان حضوری دقیقاً فنی و موفق را برای خروجیهای فقه، خواه خروجیهای ناظر به حوزه‌های فردی و یا نیمه اجتماعی و خواه خروجیهای فقه در ساحت قانون گذاری، تعریف کرد و به آن عینیت بخشید؟ عرصه مطالعاتی مربوط به قانون گذاری از حساسیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا فراوری فرایند شکل دهی به حضوری فنی و علمی از فقه در عرصه قانون گذاری پرسشهای زیادی خودنمایی می‌کنند. فقه پژوهان باید به این پرسشها که از نظر لوازم و ملزومات قانون گذاری معنا می‌یابند، پاسخ علمی دهند.



اخلاقی بنا نهاده شده است، نه توده‌های مردم.

۳. در حکومت دینی همه مسئولیت پذیرند.

۴. در حکومت‌های مادی و غیردینی، فاصله‌های طبقاتی به عنوان بزرگ‌ترین مشکل قلمداد می‌گردند، ولی در حکومت دینی، این فاصله به سادگی کم خواهد شد.

۵. در حکومت دینی مردم اجرای قوانین حکومت را جزء فرایض و واجبات الهی می‌شمرند.

فصل ۱۷- رابطه فقه و حکومت

حکومت در ادیان الهی

مؤلف معتقد است که از آیات قرآن کریم چنین استنباط می‌گردد که پیامبران الهی اهتمام ویژه‌ای نسبت به تأسیس حکومت الهی داشته‌اند و به آیاتی همانند ۲۵ حدید، ۱۳۵ سوره نساء، ۵۵ سوره نور و... اشاره می‌نماید. پس از ذکر نمونه‌های قرآنی نویسنده مدعی می‌شود که حتی حضرت عیسی مسیح (ع) هم معتقد به تشکیل حکومت بوده است و برای ادعای خویش به عباراتی از انجیل استناد می‌نماید.

ادله ضرورت تشکیل حکومت اسلامی

۱. دلیل عقلی:

مؤلف با استناد به نیاز قطعی بشر به حکومت، جهت جلوگیری از بی‌نظمی و با توجه به قاعده اصولی «کل ما حکم به العقل حکم به الشرع» سعی در اثبات مشروعیت حکومت و سیاست (از راه شرع) دارد.

۲. جامعیت تعالیم اسلامی:

مؤلف با بیان احادیثی که بر تکامل و جامعیت دین اسلام دلالت می‌کند، تأکید می‌کند که با توجه به جامعیت تعالیم اسلامی، این دین می‌تواند اداره سیاسی جامعه را برعهده بگیرد.

۳. اهتمام پیامبر اسلام به تشکیل حکومت

اسلامی:

مؤلف برای اثبات این مدعا به ذکر شواهدی از زندگی پیامبر (ص) می‌پردازد که عبارتند از:
الف. تنظیم دیوانها و امور اداری و تشکیل بیت‌المال

ب. مراسلات و ارتباطات برون مرزی

ج. امضای معاهدات

د. تشکیل و تنظیم لشکر

ه. نصب کارگزاران

۴. حکومت اسلامی بعد از پیامبر (ص):

نویسنده به اختلاف شیعه و اهل سنت در جانشینی پیامبر اشاره نموده و آرای دو طرف را نقل نموده است.

۵. سیره خلفای نخستین:

از دیدگاه آیت‌الله مکارم شیرازی، سیره خلفای نخستین در باب حکومت بیانگر آمیختگی دین با سیاست و به رسمیت شناخته شدن وجود حکومت در اسلام دارد.

۶. سیره اهل بیت (ع):

نویسنده تصریح می‌کند که سیره ائمه اهل بیت (ع) بیانگر آن است که آنان، دین را جدای از سیاست نمی‌دانسته‌اند. وی برای اثبات این مدعا به قیامهای متعدد شیعیان در طول تاریخ اسلام در برابر حکام بنی‌امیه و بنی‌عباس، استناد می‌نماید.

در پایان بحث، نویسنده تحت عنوان «انتظار حکومت جهانی مهدی (عج)» به دیدگاه‌های شیعه و اهل سنت در این باره پرداخته است و این مسئله را یکی از ادله آمیختگی اسلام با مسئله‌ی حکومت می‌داند.

آمیختگی کامل فقه اسلامی با حکومت

نویسنده معتقد است:

«ملاحظه مجموعه مسائل فقهی از آغاز تا پایان

مشکل این است که فضای تحقیق را، به ویژه با امکانات محدود آن، موضوعاتی پر کرده اند که برای مطالعه وضع راحت تر و مناسب‌تری دارند؛ در نتیجه موضوعات دشوار از قبیل آنچه گذشت، به رغم برخوردار بودن بسیاری از آنها از اهمیت، حساسیت و اولویت، کمتر رغبت و عنایت محققان را به خود جلب و به ندرت شانس پای نهادن به وادی پژوهش را پیدا می‌کنند.

روشهای مطالعاتی پژوهشکده فقه و حقوق برای خروج از این وضعیت، بر پایه این تلقی استوار بوده است که باید تعاملات متفاوت را در دو مرحله «طرح و دریافت ایده» و «پروراندن و اثبات آن» در پیش گرفت. در مرحله اول باید سخاوتمندانه و باز عمل کرد؛ این سخاوتمندی از گذر «تولید، تکثیر و تبادل ایده» به انجام می‌رسد. می‌توان با به کارگیری این روش، باب پژوهش را در بسیاری از موضوعات پیچیده فراروی فقه گشود و بن بست‌ها را که مطالعه این دسته با آن روبرو است، شکست. این در حالی است که در مرحله دوم که بار پروراندن و اثبات ایده را بردوش دارد، اصل را باید بر دقت هرچه بیشتر و حرکت بر ریل معیارهای قابل دفاع فقهی قرار داد.

این کتاب حاصل کوششی ارزشمند و در خور تقدیر است که با هدف دریافت ایده‌ها و دیدگاه‌های عالمان و فاضلان برجسته و عالیقدر حوزه و دانشگاه تهیه شده است. انجام سه محور اساسی مطالعاتی زیر می‌تواند مبحث مهم «حق و حکم» و نیز «حق و تکلیف» را به سامان برساند:

۱. تعریف شناسی و تقسیم شناسی حق، حکم و تکلیف

به لحاظ پر قدمت، پراستعمال و پر کاربرد بودن این واژه‌ها در پاره‌ای از علوم، به ویژه واژه حق که در کلام، فلسفه، اخلاق، فقه، حقوق، فلسفه حقوق و اندیشه‌های معطوف به حقوق بشر به کار رفته است، ضرورت دارد کاربردهای این واژگان، همراه با بیان خاستگاههای

از نظر آیت‌الله مکارم شیرازی احکام و مقررات جدید، بدون نیاز به قیاس و استحسان و مانند آن، از عمومات و اطلاعات ادله، قابل استنباط است

منبع اصلی
حقوقی اسلام یا
مصدر اصلی تشریح
در اسلام، اراده
خداوند است و
هر یک از کتاب
و سنت و اجماع و
عقل، راهنما و دلیلی
هستند که ما را به
اراده الهی رهنمون
می‌گردند. به تعبیر
دقیق‌تر، ادله اربعه
مصادر تشریح یا
دلیل حقوق اسلام
یا دلایل احکام
شرعی‌اند (نه منابع)
ولی آنچه رایج
است، این است که
ادله اربعه، منابع
حقوق اسلام‌اند

و از کتاب طهارت تا کتاب دیات، ما را به این حقیقت رهنمون می‌سازد که مسئله‌ی حکومت در این مجموعه تنیده شده؛ به گونه‌ای که جداسازی فقه اسلامی از حکومت غیر ممکن است. بخش مهمی از آن، از وظایف حکومت شمرده می‌شود و بخشهای دیگری از آن بدون حضور حکومت، کم‌رنگ، ناقص یا بی‌رنگ است. تقسیم مسائل فقهی به عبادات و معاملات و سیاست یا تقسیمهای مشابه، از قدیم در میان فقها معمول بوده است.»

پاسخ به شبهات

در این فصل پس از مطرح کردن مکتب سکولاریسم بیان شده است که سکولاریسم معتقد به جدایی دین از سیاست است. سپس به ذکر ارکان آن می‌پردازد که عبارتند از: اومانیزم؛ عقل‌گرایی؛ علم‌زدگی؛ تساهل و تسامح و نوگرایی. سپس مؤلف به نقد و بررسی مکتب سکولاریسم و ایراداتی که به حکومت دینی گرفته شده است، می‌پردازد.

فصل ۱۸- احکام امضایی و تأسیسی و عرفی شدن احکام

مؤلف تصریح می‌کند که یکی از تقسیم‌بندیهای احکام، تقسیم احکام به امضایی و تأسیسی است. احکام تأسیسی، احکامی است که مسبق به سابقه‌ای نیست و از سوی شارع مقدس اسلام تأسیس شده است مانند: احکام عبادات. احکام امضایی در مقابل احکامی تأسیسی قرار می‌گیرند؛ یعنی، مسبق به سابقه‌ای است و از سوی شارع مقدس اسلام تأیید شده است.

نحوه امضای شارع:

امضای شارع دو گونه است:

۱. شارع صریحاً آن را می‌پذیرد.

۲. با سکوت خود آن را می‌پذیرد.

از این بحث، نتیجه مهمی گرفته می‌شود و آن اینکه معنای احکام امضایی عرضی شدن احکام اسلام نیست.

مؤلف پس از این نتیجه‌گیری، به این مسئله اصرار می‌ورزد که از آنجا که تقسیم احکام به تأسیسی و امضایی به معنی عرفی شدن احکام نیست، پس چنان نیست که برخی پنداشته‌اند که در غیر دایره عبادات، باید به سراغ احکام عرفی در هر عصر و زمان برویم. آن‌گاه مؤلف به ذکر راه‌حل موضوعاتی می‌پردازد که حکم صریحی در کتاب و سنت، ذکر نگردیده است و معتقد است مقررات اسلامی به دو بخش تقسیم می‌گردد:

الف. بخش مناسک و عبادات که ثابت و غیر قابل تغییر است.

ب. بخش امور اجتماعی که قوانین و مقررات مربوط به آنها همیشه در حال تغییر است.

آیت الله مکارم شیرازی پس از ذکر راه‌حل پیشنهادی فوق به بررسی آن پرداخته است و می‌گوید: «ارائه این گونه راه‌حلها از یک سو به جهت عدم آگاهی کافی از مبانی فقهی و از سوی دیگر متأثر شدن از افکار غربیها و علاقمندان به تمدن غرب است؛ حال آنکه راه‌حل مشکل مسائل مستحدثه و مانند آن، در اسلام پیش‌بینی شده است.»

ایشان در توضیح این ادعا به چند نکته اشاره می‌کند:

۱. احکام و مقررات جدید، بدون نیاز به قیاس و استحسان و مانند آن، از عموماً و اطلاعات ادله،

آنها و نیز تقسیمات مربوط به هر کدام هر چه بهتر ارائه و تبیین گردد تا عمل مقایسه و تطبیق میان دیدگاههای فقهی و دیدگاههای حقوقی و یا حقوق بشری به بیراهه نرود و در مسیر مه آلود و منتهی به نتایج مبهم قرار نگیرد.

۲. ماهیت شناسی بحث

پس از تعریف واژه‌ها براساس کاربردهای مختلفی که دارند و ارائه تقسیمات مختلف هر یک ضروری می‌نماید مبحثی تحت عنوان جایگاه و ماهیت شناسی بحث از دو مقوله «حق و تکلیف» و «حق و حکم» انجام گیرد.

الف: ماهیت شناسی بحث از حق تکلیف

- جایگاه و خاستگاه تقابل میان «تکلیف مداری نگاه دینی به شؤون و امورات انسان» و «حق مداری نگاه مدرن به این امور و شؤون» حوزه اعتباری حقوق است یا حوزه فلسفه و متافیزیک؟

- اگر فلسفی است، آیا بحث آن در فلسفه حقوق می‌گنجد یا از آن جهت که مقصود از حق در مقوله «حق و تکلیف»، بنا به متافیزیکی انگشتان ماهیت این بحث، غیر از حق مطرح در مناسبات اجتماعی است، تخصصاً از موضوع فلسفه حقوق خارج است؟

- با فرض قبول «فلسفی بودن ماهیت بحث از حق و تکلیف» آیا تکلیف مداری در نگاه دینی به معنای تهی نبودن نگاه دینی از ماهیت انسانی، میزان برخورداری از ماهیت انسانی آن تا چه حد است؟



قابل استنباط است.

۲. این راه منتهی به انکار بخش عمده احکام اسلامی می‌شود.
۳. مفهوم این سخن، آن است که ارسال رسل و انزال کتب تنها برای امور عبادی بوده است.
۴. این طرز تفکر نشان می‌دهد که معنای احکام امضایی اسلام به طور صحیح فهمیده نشده است. برای شرح مفصل موارد فوق به دایره‌المعارف، رجوع فرمایید.

نتیجه:

نتایجی که آیت‌الله مکارم شیرازی از بحثها و نقدهای این فصل می‌گیرند، به طور خلاصه عبارتند از:

۱. بی‌شک آئین اسلام، خاتم ادیان و پیامبر اسلام خاتم انبیاست.
۲. با گذشت زمان و پیشرفت جامعه انسانی و... مسائل مستحدثه‌ای وجود دارد که حکم آنها به طور صریح در کتاب و سنت نیامده است، ولی یک سلسله قواعد کلی و عموماً و اطلاقات در کتاب و سنت وجود دارد که می‌توان تمامی این موضوعات را از آن، استنباط کرد.
۳. تایید ممکن است به طور صریح باشد و ممکن است با سکوت و عدم نهي انجام گیرد.

فصل ۱۹- منابع تشریح در ادیان دیگر

الف. منابع شریعت مسیحی:

در ابتدا مؤلف محترم اشاره می‌کند که اهمیت فقه اسلامی و گستردگی آن هنگامی مشخص می‌شود که با شرایع موجود، مقایسه شود و این مقایسه بسیار آموزنده است.

آیت‌الله مکارم با اشاره به رسالت حضرت روح‌الله (علیه‌السلام) و با استفاده از آیه ۵۰ سوره آل عمران و عبارت ۲۰-۱۷ از بخش ۵ انجیل متی، اذعان می‌نماید که حضرت عیسی(ع) احکام تورات را تأیید می‌نمود و زمان و مکان او، اقتضای آوردن احکام تازه فراوانی نبود. پس از آن در دایره‌المعارف، به بحث تقابل شریعت و طریقت اشاره شده و آن را رد نموده است.

نسخ شریعت تورات در مسیحیت، عنوان دیگری است که مطرح شده است. بر اساس دیدگاه دایره‌المعارف، پس از صعود عیسی(ع) به آسمان، شخصی به نام «پولس» پس از ورود به آیین مسیحیت، شریعت تورات را نسخ کرد. این «رسول» مسیحیت در برخی احادیث اسلامی و تحقیقات غیرکلیسایی غرب، بنیانگذار مسیحیت موجود، معرفی شده است.

مؤلف محترم پس از پایان بحث مذکور می‌نویسد: «از آنچه گذشت، نباید نتیجه گرفت که مسیحیت شریعت ندارد؛ بلکه باید گفت: مسیحیت «شریعت محور نیست.»

منابع تشریح در مسیحیت کاتولیک:

براساس آموزه‌های دینی مسیحیت، خداوند حق تشریح را به دو دسته تفویض نموده است که عبارتند از: اربابان کلیسا و فرمانروایان. در پایان مؤلف به واژه نامه دین نصاری پرداخته و واژگان مهم دین مسیحیت را مطرح ساخته است.

ب. منابع شریعت یهود:

گفتار اول، درباره ادوار شریعت یهود است که مؤلف به تقسیم‌بندی و ذکر دوره‌های دین یهود می‌پردازد. دوره اول، دوره کتاب مقدس است که از زمان وحی به

فرق اصطلاح «منابع حقوق» در اسلام و علم حقوق معاصر، در این است که مقصود از منابع حقوق اسلام، همان مصادر در تشریح اسلامی است؛ در حالی که مقصود از آن در علم حقوق معاصر، سرچشمه‌هایی است که منشأ پیدایش «حق»‌ها و «تکلیف»‌ها است، نه منشأ پیدایش قانون

- در صورت اعتقاد به حقوقی بودن ماهیت این بحث، چه تفاوت و نسبتی با مبحث حق و حکم دارد؟ و نیز در صورت حقوقی بودن در فلسفه حقوق جای می‌گیرید و یا در مبحثی همچون نظام‌های حقوقی؟

ب. ماهیت شناسی بحث از حق و حکم

جایگاه بحث تطبیقی از حق و حکم مبحث نظام‌های حقوقی است و یا مکتب‌های حقوقی و یا هر دو؟ و به تعبیر دیگر بحث، ماهیت حقوقی دارد و یا فلسفه حقوقی و یا می‌تواند دو بحث باشد با دو ماهیت؟

۳. نظریه پردازی

پس از تعیین ماهیت جایگاه بحث از هر یک، نوبت به نظریه پردازی در هر یک از دو مقوله «حق و تکلیف» و «حق و حکم» به عنوان گام نهائی و اساسی می‌رسد.

بدیهی است در کنار نظریه پردازی و یا شناسایی و ارائه نظریات، بررسی تأثیر بنیادین هر نظریه بر مقولات مهمی همچون حقوق بشر، نظریه پردازی در زمینه حقوق اساسی و... محور مهمی است که باید به آن پرداخت.

بخش مهمی از پرسشهای مرتبط به محورهای فوق‌الذکر در این کتاب پاسخ داده شده‌اند.



مهم‌ترین منبع شریعت یهودی پس از تورات عبارت است از میشنا و تلمود. میشنا عبارت است از آنچه بر موسی وحی شد، ولی به شکل نانوشته برای تغییر و تکمیل تورات وجود داشت و در سال ۲۱۰ میلادی توسط یکی از عالمان یهودی جمع‌آوری شد. تلمود عبارت است از مجموعه رساله‌هایی که در تفسیر میشنا تدوین شد و «گمارا» نام گرفت

موسی(ع) در سینا (حدود ۱۲۸۰ قبل از میلاد) آغاز و تا زمان عزرا و نحمیا (حدوداً میانه سده پنجم قبل از میلاد) ادامه می‌یابد. پس از آن نوبت به دوره‌های سوفریم (کاتبان)، زوگوت (جفتها)، تنائیم (معلمان)، آمورائیم (شارحان)، ساوورائیم (حکما)، گائونیم (نوابغ)، ریشونیم (مراجع نخستین یا متقدمان) و دوره احرونیم(متأخران) می‌رسد.

مؤلف آخرین دوره لغو استقلال قضایی یهود تا عصر حاضر را آخرین دوره یهود می‌داند و به شرح مفصل آن می‌پردازد.

گفتار دوم، درباره منابع شریعت یهود است که از دو حدیث منابع مکتوب و منابع قانونی مورد مطالعه قرار گرفته است. منابع مکتوب عبارتند از: الف. تورات:

کتاب مقدس عبرانی یهود مرجع و اساس اصلی حجیت و اعتبار کل نظام شرعی حقوقی یهودی و نیز نخستین و مهم‌ترین منبع مکتوب آن است. مؤلف، سپس به ارتباط تورات با مسائل حقوقی می‌پردازد.

ب. میشنا و تلمود:

مهم‌ترین منبع شریعت یهودی پس از تورات عبارت است از میشنا و تلمود. میشنا عبارت است از آنچه بر موسی وحی شد، ولی به شکل نانوشته برای تغییر و تکمیل تورات وجود داشت و در سال ۲۱۰ میلادی توسط یکی از عالمان یهودی جمع‌آوری شد. تلمود عبارت است از مجموعه رساله‌هایی که در تفسیر میشنا تدوین شد و «گمارا» نام گرفت.

ج. باریتا:

در دوره تنائیم(۲۳) به جز میشنا آثار دیگری نیز تدوین شد که گاه به آنها باریتا می‌گفتند. باریتا در اصطلاح خاص به مطالبی گفته می‌شود که در میشنا نیامده است، اما آمورائیم (شارحان) آنها را در تلمود مطرح کرده‌اند.

د. منابع مکتوب شریعت در دوران پس از یهود. مؤلف به معرفی مفصل این منابع می‌پردازد که ذکر آن در این مختصر نمی‌گنجد.

۲. منابع قانونی شریعت یهود:

الف. سنت:

منظور از سنت در اینجا «سنتی که از شخص به شخص انتقال یافته» است و سابقه آن به موسی بازمی‌گردد.

ب. میدارشی (تفسیر):

میدارشی، شامل قواعدی است که از تفسیر شریعت مکتوب و... استنتاج شده است.

ج. تقانا و گزرا (قانون‌گذاری و حکم): این دو بیانگر قانون‌گذاری‌های مراجع ذی صلاح در هر نسل و دوره‌ای است.

د. عرف:

عرف، بیانگر قواعد حقوقی است که از شکل‌های مختلف عرف استنتاج می‌شوند.

ه. عمل و رویه:

عمل و رویه، عبارت است از: قواعد حقوقی‌ای که از احکام قضایی صادر شده از جانب محاکم قضایی صلاحیت‌دار در یک موضوع مشخص، استنتاج شده است.

و. عقل (سوارا):

عقل یا نتیجه منطقی، عبارت است از منطق حقوقی‌ای که عالمان بزرگ در استدلال‌هایشان به کار می‌برند.

مؤلف در پایان به نمونه‌ای از کاربرد منابع قانونی و واژه‌نامه دین یهود اشاره نموده است.

فصل ۲۰- مصادرات تشریح و مبانی حقوقی در مکاتب حقوقی معاصر

در پیشگفتار این فصل به نکاتی اشاره شده است.

۱. منبع اصلی حقوقی اسلام یا مصدر اصلی تشریح در اسلام، اراده خداوند است و هر یک از کتاب و سنت و اجماع و عقل، راهنما و دلیلی هستند که ما را به اراده الهی رهنمون می‌گردند. به تعبیر دقیق‌تر، ادله اربعه مصادر تشریح یا دلیل حقوق اسلام یا دلایل احکام شرعی‌اند (نه منابع) ولی آنچه رایج است، این است که ادله اربعه، منابع حقوق اسلام‌اند.

۲. فرق اصطلاح «منابع حقوق» در اسلام و علم حقوق معاصر، در این است که مقصود از منابع حقوق اسلام، همان مصادر در تشریح اسلامی است؛ در حالی که مقصود از آن در علم حقوق معاصر، سرچشمه‌هایی است که منشأ پیدایش «حق»ها و «تکلیف»ها است، نه منشأ پیدایش قانون.

۳. واژه معادل اصطلاح «منابع حقوق» در اسلام، اصطلاح «مبانی حقوق» است.

۴. مبانی حقوق، عواملی است که قانونی خاص را الزام آور کرده است و اطاعت از آن را الزام آور می‌گرداند. (۲۴)

در پاسخ برای پرسش از مبانی حقوق، اینکه چه عواملی باعث الزام آور شدن قانونی خاص شده‌اند، مکاتب مختلفی وجود دارد که آنها را می‌توان به دو دسته کلی تقسیم نمود:

الف. مکتب حقوق فطری یا طبیعی:



مبنای اصلی حقوق در مکتب حقوق فطری، «عدالت» است. اصول و ویژگیهای فطری عبارتند از: ۱. حقوق فطری، قواعدی است برتر از اراده دولت و قانون گذار. ۲. قواعد آن برای همیشه ثابت و لایتغیر است. ۳. قواعد آن بدیهی است. ۴. مبتنی بر اصالت فرد است.

مؤلف در نقد و بررسی مکتب حقوق فطری می‌گوید: «مشکل اینجاست که در مکتب حقوق فطری، تعریف ثابت و واحدی برای مفهوم عدالت وجود ندارد، علاوه بر اینکه تشخیص عدالت نیز در بسیاری از موارد کار ساده‌ای نیست.»

ب. مکتب تاریخی و تحقیقی

از دیدگاه این مکتب مبنای اصلی حقوق، اراده ملت است. مؤلف محترم در نقد و بررسی این مکتب می‌گوید: «مهم‌ترین انتقادی که به این دیدگاه شده، این است که نقش اختیار و عقل را در پدید آمدن حقوق نادیده گرفته و حقوق را نتیجه قهری زندگی اجتماعی دانسته است.» در واقع انتقاد وارد چکیده تمام انتقادهایی است که بر مکتب مذکور وارد می‌گردد. مؤلف محترم در پایان به شاخه‌های فرعی این مکتب و توضیح و نقد آنها می‌پردازد که به علت رعایت اختصار از ذکر آن خودداری می‌نماییم.

پی‌نوشتها

۱. رک: مقاله جایگاه فقه اسلامی در صحنه بین‌المللی، استاد دکتر عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، مجله فروغ وحدت، شماره نهم، پائیز ۱۳۸۶، ص ۴.
۲. مقدمه، ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، ج ۲، ص ۹۳۹.
۳. دایرة المعارف فقه مقارن، آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۲۲ و ۲۳.
۴. دایرة المعارف فقه مقارن، ج ۱، ص ۲۲.
۵. درباره این مسئله رجوع شود به حیات پربرتک (زندگی‌نامه آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی) نوشته احمد قدسی، ص ۹۵-۱۰۷ و نیز ص ۴۹.
۶. برای اطلاع بیشتر در این باره رجوع شود به حیات پربرتک نوشته احمد قدسی و نیز به مقدمه کتاب القواعد الفقهیه اثر آیت‌الله مکارم شیرازی.
۷. همان.
۸. صحاح اللغة، اسماعیل بن حماد جوهری، ماده «فقه».
۹. قاموس اللغة، فیروزآبادی، ماده «فقه».
۱۰. مصباح‌المنیر، الفیومی، ماده «فقه».
۱۱. دایرة المعارف فقه مقارن، آیت‌الله العظمی ناصر مکارم شیرازی، ج ۱، ص ۳۱.

۱۲. همان، ص ۳۷ و ۳۸.
۱۳. شرح جمع‌الجامع‌لمحلی، جلال‌الدین محمدبن احمد‌المحلی، ج ۱، ص ۳۲.
۱۴. رک: عدة الاصول، ج ۱، ص ۲۱ - معالم‌الدین، ص ۳۳ - الاصول العامة الفقه المقارن، ص ۱۵.
۱۵. ذاریات، ۵۶.

۱۶. دایرة المعارف فقه مقارن، ج ۱، ص ۳۷ و ۳۸.
۱۷. مجله فقه اهل‌بیت، سال اول، بهار ۱۳۷۴، شماره ۱، ص ۴۱، (مقاله روند آتیه اجتهاد، از شهید صدر، به نقل از دایرة المعارف فقه مقارن)
۱۸. مجله رساله الاسلام، سال یازدهم شماره ۱، ص ۱۰۸ و دایرة المعارف فقه مقارن، ج ۱، ص ۱۵۰.
۱۹. اصول الفقه اسلامی، محمد ابوزهره، ص ۲۸۶.

۲۰. دایرة المعارف فقه مقارن، ج ۱، ص ۲۹۹ و انوار الاصول، آیت‌الله مکارم شیرازی، ج ۳، ص ۵۹۹.
۲۱. نهج البلاغه، نامه ۶۷.

۲۲. دایرة المعارف فقه مقارن، ج ۱، ص ۵۳۴.
۲۳. رک: دایرة المعارف فقه مقارن، بحث مربوط.
۲۴. رک: فلسفه حقوق، دکتر ناصر کاتوزیان، ج ۱، ص ۳۹.

کتابنامه

۱. عدة الاصول، شیخ الطائفة ابو جعفر محمدبن الحسن الطوسی، مؤسسه آل‌بیت(ع)، ۱۴۰۳ق.
۲. الاصول العامة للفقه المقارن، سید محمدتقی حکیم، مؤسسه آل‌بیت، چاپ دوم، ۱۳۹۰ق.
۳. مقدمه، ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، شرکت علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۹.
۴. حیات پربرتک، احمد قدسی، انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی‌طالب(ع)، ۱۳۸۴.
۵. القواعد الفقهیه، آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، منشورات دارالعلم، بیروت، چاپ چهارم، ۱۴۰۱ق.
۶. جایگاه فقه اسلامی در صحنه بین‌المللی، دکتر عبدالکریم بی‌آزار شیرازی، مجله فروغ وحدت، شماره نهم، پائیز ۱۳۸۶.
۷. فلسفه حقوق، دکتر ناصر کاتوزیان، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول، ۱۳۷۷ش.
۸. انوار الاصول، آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، انتشارات نسل جوان، ۱۴۱۶ق.
۹. دایرة المعارف فقه مقارن، آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی، ج اول، نشر مدرسه الامام علی بن ابی‌طالب(ع)، ۱۳۸۵.
۱۰. اصول الفقه الاسلامی، محمد ابوزهره، دارالفکر العربی، ۱۳۷۷ق.

مبنای اصلی حقوق در مکتب حقوق فطری، «عدالت» است. اصول و ویژگیهای فطری عبارتند از: ۱. حقوق فطری، قواعدی است برتر از اراده دولت و قانون گذار. ۲. قواعد آن برای همیشه ثابت و لایتغیر است. ۳. قواعد آن بدیهی است. ۴. مبتنی بر اصالت فرد است

